



### چرخه تولید علم؛ نسبت تولید علم با علوم انسانی اسلامی

نظریه ساز در صورتی به کامیابی خواهد رسید و یک نظریه علمی در شرایطی دامنه پیدا کرده و فراگیر می شود که آزمون گذارده شده، مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته و در یک دیالوگ علمی به چالش کشیده شود.

نظریه ساز در صورتی به کامیابی خواهد رسید و یک نظریه علمی در شرایطی دامنه پیدا کرده و فراگیر می شود که آزمون گذارده شده، مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته و در یک دیالوگ علمی به چالش کشیده شود.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر یادداشتی از سید حسین حسینی عضو هیئت علمی گروه فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است که در ادامه می خوانید؛

۱- منشاء صدور نظریه چه بوده و خاستگاه نظریه ها کجاست؟

۲- آیا نظریه به علم منتهی می گردد یا نظریه ها حاصل علوم اند؟

۳- تولید علم، برخاسته از تولید نظریه است یا می توان بدون ابداع نظریه ها به تولید علم دست یافت؟

۴- آیا تولید علم با جنبش و نهضت تولید علم یکی است و آیا عوامل تحقق نهضت تولید علم همان عوامل پیدایش علوم اند؟

۵- نهضت تولید علم از کجا سر می زند و آیا تمامی زمینه های شکل گیری آن در حوزه ساز و کارهای نظام علمی جامعه شکل می گیرد؟

۶- نقش کرسی های نظریه پردازی در این میان چیست؟ و آیا کرسی های نظریه پردازی معلول جنبش تولید علم اند یا علت ایجاد آن؟

۷- آیا نظریه سازی با نظریه پردازی تفاوتی دارد؟

۸- آیا کرسی های نظریه پردازی در اجتماعی شدن علم نقش دارد؟ و آیا اصولاً علم، می تواند اجتماعی باشد؟

۹- نسبت کرسی های نظریه پردازی با آزاداندیشی و جامعه آزاداندیش چگونه است؟

۱۰- و بالاخره آیا ارتقاء نظام آموزش عالی کشور با تولید علم و کرسی های نظریه پردازی نسبتی دارد؟

پرسش های ۱۰ گانه فوق ما را به سمت وسوی ترسیم چرخه تولید علم در جامعه علمی کشور سوق می دهد؛ اما ترسیم نظام مند چنین چرخه ای به رسمی منطقی و معقول نیازمند است که بدست آوردن آن وابسته به تحلیل مبانی معرفتی و فرهنگ علمی در حوزه مطالعات فرهنگی از سوی، و جامعه شناسی معرفت از سوی دیگر و در ضلع سوم، رویکرد فلسفه علمی است.

سعی ما در برتجاهای متوالی و مترتب زیر پایه گذاری چنین تحلیلی است:

۱- اگر به ظاهر در چرخه های مکانیکی، بتوان نقطه شروعی را تصور کرد اما در چرخه های دینامیکی و پویا تصور نقطه آغاز به معنای حقیقی اش دور از ذهن است.

۲- جستجوی نقطه آغازین فلسفی در چرخه تولید علم، نه ممکن است و نه معقول چرا که قطعاً با یک چرخه دینامیکی روبرو هستیم.

۳- پدیده های انسانی و به ویژه اجتماعی به دلیل در هم تنیدگی، پیچیدگی های دامن گستر و ارتباط دو طرفه شان، نمی توانند در یک چرخه بسته و کاملاً بسیط مکانیکی قرار گیرند.

- ۴- بنابراین در چرخه تولید علم از هر کجا آغاز کنیم، راه برای فهم و تحلیل سایر پاره ها فراهم است.
- ۵- انسان، علم و دانش، نظریه و تئوری های علمی، کرسی های نظریه پردازی، نظام آموزش عالی و نهضت تولید علم؛ پاره هایی از مؤلفه های بنیادین چرخه تولید علم محسوب می شوند.
- ۶- این عناصر نه تنها بایستی با یکدیگر در یک ربط نظام مند قرار گیرند تا حرکت این چرخه به درستی تنظیم شود که حتی تحلیل این نهادگاه دانش بدون توجه به اصل هم خوانی مؤلفه های مذکور با یکدیگر ممکن نیست.
- ۷- با اذعان به تفاوت های علم و دانش، اما بی گمان علم و دانش، نشانه تشخص، تفوه و تمایز انسان از غیر اوست.
- ۸- ژرف اندیشی دانش به علم و نشان عمق اندیشه های یک دانشمند، به نگاه عالمانه و تخصصی وی در یک گستره خاص شناخته شده از علوم است؛ چرا که دایره دانش بسی عام و فراگیرتر از مجموعه اطلاعات منظم در یک بستر خاص با روش و مسأله و مبانی خاص علمی است.
- ۹- اما رشد و نوزایی علوم به پویایی نظریه های علمی در هر حوزه خاص (متناسب با چارچوب ها و جایگاه متفاوت علوم) گره خورده است.
- ۱۰- نظریه های علمی، به رشد دروازه های کشف و ابداع علوم یاری می رسانند و بالندگی علوم در مجموع، دانش کلّ بشری را ارتقاء می دهد.
- ۱۱- یک نظریه علمی، محصول فرآیندی است که در آن، چارچوب مشخص و معینی برای تحلیل، تفسیر و اثبات روش مندانه یک مسأله علمی با توجه به پیش زمینه های نظری و تاریخی آن بدست می آید.
- ۱۲- با این حساب ابداع یا تولید یا کشف یک نظریه علمی ممکن است توسط یک نظریه ساز صورت گیرد اما نقش و زمینه سازی های خردجمعی را نباید از یاد برد.
- ۱۳- پذیرش امکان تحقق نظریه سازی فردی، نهایتاً به معنای تجمیع برآیند خردجمعی به نام یک فرد خاص است.
- ۱۴- جایگاه تولید و زایش نظریه ها در دامان افکار و سپهر اندیشه های یک پژوهشگر و یا در بستر یک سازمان اجتماعی رُخ می نماید.
- ۱/۱۴- این سازمان های اجتماعی در جامعه ما حوزه ها و دانشگاهها هستند و در صورتی که سازمان های اجتماعی به شاکله ای ارگانیک گرد هم آیند، امید به سرزدن یک جامعه علمی به معنای حقیقی اش می رود.
- ۱۵- با این همه، اگر وقوع نظریه سازی فردی (با پنداشت منقطع و جدای از بستر اجتماعی آن) را بپذیریم، اما نمی توان از نقش و ضرورت اجتماعی شدن علم سخن نگفت.
- ۱۶- کرسی های نظریه پردازی مجالی اجتماعی اند برای پردازش، تحلیل، نقد و بسط نظریه سازی های علمی که خود برآمده از سازمان های اجتماعی یک جامعه علمی خواهند بود.
- ۱/۱۶- اندیشمند نظریه ساز در صورتی به کامیابی خواهد رسید و یک نظریه علمی در شرایطی دامنه پیدا کرده و فراگیر می شود که آزمون گذارده شده، مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته و در یک دیالوگ علمی جدی به چالش کشیده شود و کرسی های نظریه پردازی به خوبی می توانند بستر چنین تفاعل اجتماعی را فراهم سازند.
- ۲/۱۶- این که کرسی های نظریه پردازی بالقوه توان تحقق چنین امکان و زایش اجتماعی علوم جدید را به راستی در دل خود دارند، الزاماً به این معنا نیست که چنین حرکتی در همه جایگاهان خودش، به وقوع بپیوندد چرا که این کرسی ها بایستی به درستی، مدیریت و هدایت شوند و بی این درستی، آن راستی، دست نیافتنی است.
- ۳/۱۶- گرچه مسند ظهور و بروز کرسی های نظریه پردازی در جایگاه جامعه علمی و سازمان های اجتماعی تعریف شده

آن است اما شیب حرکت از نظریه سازی به نظریه پردازی و از ابداع نظریه تا پردازش اجتماعی آن، وابسته به رونق فضای آزاد اندیشی است.

۴/۱۶- آزاداندیشی (به معنای ایجاد زمینه و بستری اجتماعی برای رشد و پویایی اندیشه) به وجود فضای باز اندیشه سازی و اندیشه پردازی منجر خواهد شد که می تواند این امکان را برای کرسی های نظریه پردازی فراهم سازد تا هم در جامعه علمی و سازمان های وابسته اش و هر آینه در فضای عمومی جامعه، امکان طرح ایده های نو، نقد اندیشه های پیشین و ورود به دروازه های ناگشوده هموار گردد.

۱۷- سامان دهی معقول و هویت بخشی ژرف به کرسی های نظریه پردازی، نه تنها به عنوان یک انگاره فرعی، فاهمه عقل عمومی را ارتقاء می بخشد که در پاره نخست به ارتقاء و بالندگی نظام آموزش عالی به عنوان بخشی از سازمان های اجتماعی جامعه علمی یاری می رساند.

۱۸- بر این بنیان، نهضت تولید علم را می توان؛ هم انجام و هم سرانجام این چرخه دانست!

۱/۱۸- نهضت تولید علم از سویی به معنای جریان حرکت از دانش و علم به سمت نظریه سازی و از نظریه سازی تا تحقق کرسی های نظریه پردازی و آنگاه ارتقاء جامعه علمی و مآلاً نظام آموزش عالی است و از جانب دیگر خود، به معنای سرآغاز یک رنسانس عظیم علمی در حوزه تولید علوم بومی- اسلامی خواهد بود.

۲/۱۸- گرچه این چرخه، فی نفسه به جریان پوییش نهضت تولید علم یاری می رساند اما این جنبش علمی می تواند از احساس نیاز اجتماعی، کمبودها و ضرورت های علمی، تلاش های فردی، بسترهای اجتماعی و فرهنگی نیز نشأت گیرد و به تدریج، چیرگی روزافزونی بیابد.

۱۹- نتیجه آن است که نخستین قدم برای تحقق عینی چنین چرخه حیاتی برای جامعه ایرانی- اسلامی امروز، تعیین عناصری است که باید در یک بافت نظام واره کنار یکدیگر جمع شوند و سپس تحلیل نظام مند مؤلفه های آن.

۲۰- با توجه به بندهای پیش یاد، بی تردید تحلیل جامع مؤلفه های چنین چرخه ای بدون زاویه دید جامعه شناسی معرفتی و مطالعات فرهنگی و نیز نیم نگاهی به رویکردهای فلسفه علمی ممکن پذیر نیست (از کتاب نهضت تولید علم و کرسیهای نظریه پردازی، انتشارات آوای نور تهران).